**مسجد خاستگاه و پشتیبان بیداری اسلامی**

**ایجاد انگیزه**

در طول تاریخ پر فرازونشیبِ زندگی انسان بر روی زمین، بناها و مکان‌ها نقش مهمی را در شکل‌گیریِ تحولات اجتماعی، به خصوص مبارزات و انقلاب‌ها ایفا کرده‌اند. برای مثال، قلعة باستیل که در [۱۴ ژوئیه](http://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%B1%DB%B4_%DA%98%D9%88%D8%A6%DB%8C%D9%87) [۱۷۸۹](http://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%B1%DB%B7%DB%B8%DB%B9_%28%D9%85%DB%8C%D9%84%D8%A7%D8%AF%DB%8C%29) توسط انقلابیون فرانسه فتح شد، در جایگاه اولین مکانِ سرآغاز مبارزات مردمی علیه لویی شانزدهم، امروزه به عنوان نماد انقلاب فرانسه معرفی می‌شود.

در روزگار معاصر نیز نقش میدان التحریر و لؤلؤ را در مبارزات مردم مصر و بحرین نمی‌توان فراموش کرد. نکته قابل تأمل در این میان آن است که همواره مکان‌هایی که برای مبارزه انتخاب و به تدریج به عنوان نماد معرفی می‌شوند، به‌خوبی نمایانگر هویت و انگیزه مبارزه هستند.

اما یک سؤال، اسلام چه مکان و بنایی را به عنوان نماد و سمبل مبارزه و قیام انتخاب کرده است؟ به عبارت دیگر، بیداری توحیدی و اسلامی از چه مکانی آغاز می‌شود؟

**اقناع اندیشه**

تاریخ تحولات اجتماعی اسلام نشان می‌دهد که بیش از بازار، میدان و دیگر عناصرِ شهر، مسجد را باید محور رویدادها و رخدادهای تعیین‌کننده و اساسی دانست؛ مسجدی که محوریت خود را همرنگ با دیگر عناصر اسلام اصیل، از شعار اصلی و اساسی اسلام، یعنی توحید وام گرفته است. مسجد محور حرکت و نماد قیام اجتماعی گسترده‌ای است که مسیر خلیفه اللهی را برای رسیدن به استقرار تام و تمام حکومت خدا بر زمین طی کند.

به همین دلیل اگر نقطه شروع این مسیرِ خلیفه اللهی را خلقت آدم (علیه السلام) و تحقق تام و تمام آن را دوران ظهور حضرت بقیت الله بدانیم، با مرورِ گزاره‌های تاریخی گذشته و استفاده از خبرهای غیبی آینده که به واسطه قرآن و معصومان به ما رسیده است، می‌توانیم محوریت مسجد را در تحولات اجتماعی و صف‌بندی‌های حق و باطل به‌درستی اثبات کنیم و به‌خوبی نماد مسجد1 و نقش محوری آن را در تاریخ تحولات اسلام، به معنای عام و خاص2 آن مشاهده کنیم.

طبق آیات قرآن، شروع مسیر حق و باطل از جایی است که به دستور خدا همه باید بر موجودی که آدم نام دارد و بهترین مخلوق معرفی شده است، سجده کنند؛ اما شیطان با برتر دانستن خود3 در مقابل جریان حق ایستاد و پایه‌گذار جریان باطل شد و رهبری آن را نیز بر عهده گرفت.4 علاوه بر این، احداث مسجد کوفه به دست حضرت آدم و بازسازی آن به دست نوح (علی نبینا و آله و علیهما السلام) گواه دیگری بر اهمیت نقش مسجد در جریان بیداری توحیدی و اسلامی است.5 از سوی دیگر، طبق روایات متعدد، پس از ظهور آخرین وصی، مسجد کوفه به عنوان پایگاه و مسجد سهله به عنوان محل نگهداری اموال حکومت ایشان انتخاب می‌شود.6

از نمونه‌های دیگری که در طول تاریخ اسلام می‌تواند گواه روشنی بر محوریت مسجد در مبارزات توحیدی و بیداری‌های اسلامی باشد، موارد زیر را می‌توان نام برد:

**1. مسجد قبا**

فشارها و تهدیدها به اوج خود رسیده بود و دیگر در مکه برای او جایی نبود. باید موقتاً به مکان دیگری می‌رفت تا در فرصت مناسب و با عِده و عُده بیشتری بازگردد و کار را تمام کند. شبانه مکه را به مقصد یثرب ترک گفت. اندکی مانده به مدینه در میان طایفه بنی عمرو بن عوف منتظر علی و خانواده‌اش شد. پیش از او عده دیگری از مسلمان‌ها، از مکه به نیت یثرب گریخته و در آنجا سکنی گزیده بودند. پیامبر در اوج مبارزات خود و در مدتی که در این مکان، یعنی قُبا به سر می‌برد، تصمیم به ساخت مسجدی می‌گیرد که علاوه بر نام منطقه، به دلیل آیه‌ای که در شأن آن نازل می‌شود،7 در میان مسلمانان با عنوان «مسجد التقوی» معروف شد و تا مدت‌ها به عنوان نماد حرکت توحیدی پیامبر شناخته می‌شد.

**2. مسجد النبی**

پس از پایان مسجد قبا، رسول خدا در میان غریو شادی مسلمانانی که چون خودِ او برای سکنی در یثرب، مکه را ترک گفته بودند، وارد یثرب شد؛ یثربی که چندی بعد با نام «مدینه النبی» شناخته می‌شود. اولین اقدام نبی اکرم پس از اسکان در منزل ابوایوب انصاری، احداث مسجدی است که دیوارها و پایه‌های آن از خشت خام و سقف آن، از شاخه‌های خرما است. مسلمانان، همدوش پیامبر اقدام به احداث مسجدی کردند که تا سالیان دراز به عنوان مهم‌ترین مرکز اجتماعی جامعه اسلامی شناخته می‌شد. مسجد النبی نه فقط محلی برای اعتکاف و عبادت که جایی برای اجتماع مسلمانان به هنگام مشورت و کلاس درسی برای آموزش‌های دینی و اعتقادی محسوب می‌شد.

**3. مسجد گوهرشاد**

با روی کار آمدن رضاشاه، عصر تجدد و نوگرایی هم با شتاب شروع‏ می‏شود؛ زیرا او مدعی بود وقتی مردم لباس متحدالشکل می‌پوشند، کلاه پهلوی بر سر می‌گذارند و نسبت به تقیدات دینی سست می‌شوند، متمدن خواهند بود.

وی خیال خام تجددمآبی را از اوایل سلطنت خود در سر‏ می‏پروراند و متحدالشکل کردن البسه در سال 1307، ماجرای حضور خانواده‌اش در حرم حضرت معصومه (س) بدون پوشش اسلامی و مخالفت مرحوم شیخ محمد بافقی در سال 1306 و دیگر اقدامات او، مؤید این واقعیت بود؛ ولی سفر ترکیه این تلقی را تقویت کرد. پس از برگزاری جلسات مخفیانه روحانیون مشهد، تصمیم ‏گرفته‏ می‏شود که آیت‏الله حاج حسین قمی به تهران برود و مستقیماً با رضاشاه وارد مذاکره شود؛ ولی آیت‌الله قمی در باغ سراج‏الملک توقیف و ممنوع‏الملاقات‏ می‌شود. انتشار این واقعه در مشهد موجب خشم دوستداران آیت‏الله شد و جمع زیادی را در مسجد گوهرشاد گرد هم ‌آورد. سحرگاه بیست و دوم تیرماه، درهای مسجد گوهرشاد ـ مهم‌ترین پایگاه اجتماعی قیام علیه کشف حجاب ـ توسط هنگ نظامی شاه شکسته شد و مردم به خاک و خون کشیده شدند.

**4. مسجد اعظم**

اولین جرقه‌های بیداری اسلامی در دوران کنونی، در سال‌های 40 و 41 با سخنرانی‌های امام خمینی در مسجد اعظم و مدرسه فیضیه زده شد؛ شعله‌ای که آرام‌آرام برگ‌های خشک فساد و تباهی را درنوردید. اهمیت مسجد در شکل‌گیری انقلاب مردمی به جایی رسید که شاه، نسبت به برگزاری مجالس بزرگداشت در ماه­های محرم و صفر، در برخی مساجد و حسینیه‌ها، حساسیت زیادی نشان داد؛ زیرا این مکان‌ها به عنوان مبدأ حرکت‌های مردمی و رسانه قدرتمند در اطلاع‌رسانی‌های اجتماعی شناخته می‌شد. بنابراین طبیعی است که نظارت، کنترل و مراقبت ساواک بر روی این­گونه مجالس، حتی در روستاها افزایش یابد. برای کنترل مساجد و محدود شدن فعالیت‌های انقلابی آنها، اداره اوقاف مجبور به دخالت در تعیین امام جماعت و برخی از ضوابط مسجد شد؛ اما با همه‌ی این نظارت‌ها، مساجد به عنوان پایگاه اجتماعی مردمی از عهده وظیفه خود به خوبی برآمد.

**نتیجه‌گیری**

با توجه به محوریت مسجد و ویژگی این جایگاه کلیدی که به‌راستی باید آن را نخِ تسبیحِ عناصر گوناگون بافت و بنای شهر دانست، و با شناخت و استفاده از استعدادهای این مکان مقدس، می‌توان مقدمات و شرایط بیداری اسلامی و توحیدی را با تکیه بر مسجد فراهم کرد.

مسجد مکان مقدسی است که بی‌اغراق یکی از مصادیق تام و تمام حبل الهی است؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقُوا»8

**تحریک احساسات**

در برخی از مقاطع تاریخ اسلام، مسجد به طور ویژه به عنوان پایگاه بیداری اسلامی، مانع از انحراف جامعه اسلامی و از بین رفتن زحمات شبانه‌روزی رسول خدا و یاران باوفای ایشان شده است.

یکی از این مقاطع، ایام پس از رحلت نبی اکرم و جریان غصب خلافت است که صدیقه طاهره (سلام الله علیها) با وجود بیماری، رنج و جراحت‌های جسمی و روحی ناشی از رحلت رسول خدا و قضایای پس از آن، خود را به مسجد پدرش رساند و در خطبه‌ای بلیغ و شیوا،9 دست به بیداری اسلامی زد.

در کتب تاریخی و روایی جریان مقدماتی خطبه این‌گونه نقل شده است: هنگامى که اخبار غصب فدک و اخراج نماینده فاطمه زهرا به آن حضرت رسيد، سر مبارك را پوشانيدند و پوشش كامل بر تن نمودند و با عده‏اى از زنان خدمتگذار و بانوان خويشاوندانشان براى اعتراض به ابوبكر به راه افتادند. هنگام راه رفتن لباس حضرت به زمين كشيده مى‏شد و پايين لباس زير پايشان مى‏رفت. راه رفتنشان چنان بود كه گويا پيامبر (صلى اللَّه عليه و آله) راه مى‏روند. ابوبكر با عده‏ى زيادى از مهاجرين و انصار و ديگر افراد در مسجد نشسته بود كه حضرت وارد شدند. با آمدن حضرت، پرده‏اى بين ايشان و مردم آويخته شد. حضرت زهرا (عليها السلام) نشستند و چنان از سوز دل ناله زدند كه قلب‌ها به لرزه درآمد و اشك‌ها جارى شد و مردم را به گريه و ضجه واداشتند و مجلس را منقلب كردند. سپس لحظه‏اى درنگ نمودند تا صداى ناله‏هاى مردم خاموش گرديد و از جوش و خروش افتاد. با آرامش مجلس، حضرت صحبت خود را با حمد و ثناى الهى و درود بر پيامبر (صلى اللَّه عليه و آله) آغاز نمودند. مردم با شنيدن كلام آن حضرت بار ديگر شروع به گريه كردند، و حضرت براى بار دوم سكوت كردند و هنگامى كه مردم آرام گرفتند، صحبت خود را از سر گرفتند.10 حضرت در برخی از سخنان خود با اشاره به جریانات پیش‌آمده‌ی پس از رحلت رسول خدا فرمودند:

چون خداوند سراى پيمبرانش را براى پيامبر خود برگزيد و جايگاه برگزيدگانش را منزلگاه او ساخت، كينه‏ها و دورويى‏ها آشكار و پرده دين دريده شد. هر گمراهى مدّعى و هر گمنامى سالار و هر ياوه‏گويى در پى گرمى بازار خويش شد. شيطان سر از كمينگاه خود به درآورد و شما را به سوى خود فراخواند، و بسيارى از شما را آماده پذيرفتن دعوتش و منتظر فريبش يافت! شما هم سبكبار در پى او دويديد و به‌آسانى در دام فريبش خزيديد. و او آتش انتقام را در دل‌هاتان برافروخت. آثار خشم در چهره شما نمايان گرديد و سبب شد كه بر غير شتر خود داغ نهيد و در غير آبشخور خود وارد شويد. اين در حالى بود كه هنوز دو روزى از مرگ پيامبرتان نگذشته، سوز سينه ما خاموش نشده، جراحت قلب ما التيام نيافته، و هنوز پيامبر خدا در دل خاك جاى نگرفته بود.

اگر شکسته ولی گوهری پربها داری
که قدر و قیمت خود را تو از خدا داری
تو یاسی و به کبودی نمی‌رسد نَسبت
چه نسبتی است که باغ لاله‌ها داری
بگو تمام غمت را کمی سبک‌تر شو
چقدر بانوی مجروح من حیا داری
پدر که رفت چرا اینقدر شکسته شدی
مگو غریبم عزیزم، ببین مرا داری
غریبه‌ها که بماند خودم خبر دارم
هزار غصّه به سینه ز آشنا داری
چقدر فکر حسینی چقدر بیتابی
صبور باش که زینب به کربلا داری
سه ماه روی لبانت ندیده‌ام لبخند
ببخش، من به تو حق می‌دهم عزاداری

**پی‌نوشت**

. به معنای لغوی و نه اصطلاحی آن.

2. اصطلاحاً اسلام به شریعت آخرین رسول خدا اطلاق می‌شود؛ اما قرآن با قرار دادن وصف دین نه ادیان، همه‌ی شریعت‌ها را اسلام معرفی می‌کند (آل عمران: 19).

3. حجر: 30.

4. همان: 39.

5. تفسیر عیاشی، ج 2، ص 144.

6. قَالَ (علیه السلام): دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ وَ مَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا وَ بَيْتُ مَالِهِ وَ مَقْسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَ مَوْضِعُ خَلَوَاتِهِ الذَّكَوَاتُ الْبِيضُ مِنَ الْغَرِيَّيْن ‏(بحارالانوار، ج 53، ص11؛ به نقل از مفضل بن عمر از امام صادق (ع)).

7. توبه: 108.

8. آل عمران: 103.

9. ر.ک: بلاغات النساء، گفتار دوم.

10. بحارالانوار، ج 43.